

رویداد



۳۰۵ کارآموز کانون وکلای دادگستری گیلان سوگند وکالت یاد کردند

برگزاری ۲۹مین آیین تحلیف کارآموزان وکالت

در صفحه ۴ و ۵ بخوانید

تبصره ۴۸ در بونه نقد جامعه وکالت

«وکیل در لیست نیست»

را ندارند، نتیجه چیزی جز سرگردانی خانواده‌ها و شهروندانی نیست که با امید به احقاق حق، به دفاتر وکلای مراجعه می‌کنند و با پاسخ منفی مواجه می‌شوند. روابط عمومی کانون وکلای دادگستری گیلان در این گزارش، با تکیه بر دیدگاه‌های وکلای صاحب‌نظر، اساتید حقوق و همچنین روایت خانواده‌های بازداشت‌شدگان، می‌کوشد ابعاد مختلف این مسئله را واکاوی کرده و زمینه‌ای برای گفت‌وگوی حقوقی، شفاف و مسئولانه در این خصوص فراهم آورد.

ذیل تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری در حالی که بخش عمده‌ای از وکلای دادگستری عملاً امکان اعلام وکالت و مداخله در این دسته از پرونده‌ها را ندارند، پیامدهای حقوقی و اجتماعی به همراه داشته است. در شرایطی که شمار وکلای مشمول این تبصره، در مقایسه با تعداد بالای متهمان این پرونده‌ها، اندک است و از سوی دیگر برخی از همین وکلای بنا به برخی ملاحظات تمایلی به ورود مؤثر به این پرونده‌ها

حوادث دی‌ماه ۱۴۰۴ بار دیگر نگاه‌ها را به یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم دادرسی عادلانه معطوف کرد؛ حق دسترسی آزادانه به وکیل. در روزهایی که اخبار بازداشت‌ها و تشکیل پرونده‌های متعدد، فضای عمومی جامعه را تحت تأثیر قرار داده است، پرسش‌های جدی درباره جایگاه و نقش وکیل دادگستری در پرونده‌های موسوم به امنیتی، بیش از پیش خودنمایی می‌کند. محدود شدن حق انتخاب وکیل به فهرستی اندک

در صفحه ۶ و ۷ بخوانید



از مهندسی پلیمر تا وکالت

گفتگو با رتبه یک
اختبار کانون وکلای
دادگستری گیلان

صفحه ۲

مشاور حقوقی وکیل نیست

گفتگو با رئیس
اداره نظارت و
بازرسی ماده ۵۵

صفحه ۸



قدرت، قانون و جنگ

تأملی در نسبت مشروعیت داخلی و نظم بین‌المللی

دکتر محمدرضا نظری نژاد
رئیس کانون وکلای گیلان



در سطح ملی، تحقق حاکمیت قانون بیش از هر چیز در گرو توزیع متوازن قدرت و حضور فعال بازیگران اجتماعی است؛ از مردم گرفته تا احزاب و نهادهای مدنی و صنفی مستقل. بدون چنین زیرساختی، قانون به جای آن‌که به مثابه قاعده‌ای الزام‌آور عمل کند، به ابزاری نمادین و شکننده تبدیل خواهد شد. این منطق، با شدت بیشتری در سطح بین‌المللی نیز صادق است؛ جایی که فقدان توازن قدرت میان بازیگران، از مهم‌ترین عوامل ناکارآمدی نهادهای بین‌المللی در اجرای قواعد حقوقی به شمار می‌رود.

در چنین بستری، پدیده‌هایی مانند تجاوز و جنایات جنگی—که در اسناد حقوقی بین‌المللی جرم‌انگاری شده‌اند—بیش از آن‌که تابع قواعد حقوقی باشند، در معرض ملاحظات قدرت قرار می‌گیرند. به بیان دیگر، فاصله میان «قانون مکتوب» و «رفتار واقعی دولت‌ها» زمانی افزایش می‌یابد که سازوکارهای الزام‌آور، تابعی از توازن قدرت نباشند.

از منظر تحلیلی، تهدید زیرساخت‌های حیاتی مانند نیروگاه‌های برق در جریان منازعات، صرفاً یک اقدام نظامی نیست، بلکه بخشی از راهبردی گسترده‌تر برای اعمال فشار روانی، اقتصادی و اجتماعی بر طرف مقابل است. چنین اقداماتی را می‌توان در چارچوب «افزایش هزینه‌های تداوم جنگ» تحلیل کرد؛ راهبردی که هدف آن، تغییر محاسبات طرف مقابل و سوق دادن آن به سوی پذیرش توافق است. در این معنا، جنگ نه پدیده‌ای گسسته از سیاست، بلکه ادامه آن با ابزارهای دیگر است. در این راستا سیاست را باید بازی شطرنجی دانست که نظامیان مهره‌های بازی هستند نه بازیگران آن، بر این اساس، فهم جنگ بدون درک منطق تصمیم‌گیری سیاسی ممکن نیست. سیاست‌گذاران در شرایط منازعه، ناگزیر از سنجش مستمر نسبت هزینه و فایده‌اند؛ نسبتی که نه با هیجانات عمومی و نه با شعارهای بسیج‌کننده، بلکه با ارزیابی واقع‌بینانه از توان ملی، وضعیت اجتماعی و چشم‌انداز آینده تعیین می‌شود. در این میان، آنچه اهمیت بنیادین دارد، در نظر گرفتن تأثیرات بلندمدت جنگ بر زندگی مردم و آینده نسل‌های بعدی است.

در واقع، معیار نهایی هر تصمیم راهبردی را باید در کیفیت زندگی شهروندان جست‌وجو کرد. تصمیمی که حتی اگر در کوتاه‌مدت دستاوردهایی به همراه داشته باشد—در بلندمدت به فرسایش سرمایه اجتماعی و تضعیف انسجام ملی بینجامد، نمی‌تواند تصمیمی بهینه تلقی شود. از این منظر، پیوند میان «کارآمدی تصمیم» و «مشروعیت سیاسی» اهمیت می‌یابد؛ چرا که تصمیم‌های بهنگام و کم‌هزینه، به تقویت اعتماد عمومی و پایداری نظام تصمیم‌گیری کمک می‌کنند.

ادامه در صفحه ۲

سوده رمضان زاد
وکیل پایه یک دادگستری



هفتم اسفندماه، گرامیداشت تصویب لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری است؛ این قانون گذاری نقطه‌ی عطفی در تاریخ حقوق کشور بود و قرار بود وکیل را از وابستگی به حاکمیت رها سازد. هدف اصلی آن قانون، تضمین آزادی دفاع و حفظ حقوق شهروندی در برابر نهاد قدرت بود؛ مفهومی که یکی از پایه‌های اصلی عدالت قضایی به شمار رفته و در بیان آگاهان و دانشوران حقوق به کرات مورد تاکید واقع شده است.

با گذشت بیش از هفت دهه از آن رویداد تاریخی، استقلال کانون وکلا در هر برهه زمانی در معرض تحدید قرار گرفته است. تصویب آیین‌نامه‌های خارج از اراده‌ی کانون، محدودیت‌های فزاینده در صدور پروانه و افزایش نظارت‌های بیرونی، نشانه‌هایی آشکار از فرسایش تدریجی نهادی است که قرار بود مستقل بماند. آنچه زمانی «نظارت» نام داشت، امروز به «محدودیت» گرایش پیدا کرده است. از سویی تضعیف استقلال، صرفاً یک موضوع صنفی نبوده و تزییقی برای حق دفاع و دادرسی عادلانه محسوب می‌شود. هنگامی که وکیل آزادانه نتواند از موکل خود دفاع کند، شهروند نیز در برابر قدرت بی‌پناه می‌ماند.

در این میان، اجرای تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری نمادی آشکار از این روند نزولی است؛ تبصره‌ای که در پرونده‌های امنیتی انتخاب وکیل را محدود و فهرستی از «وکلائی مورد تأیید» را جایگزین حق انتخاب آزادانه‌ی مردم کرده است. این محدودیت فلسفه‌ی وکالت مستقل را نقض و به تبع آن استقلال کانون‌های وکلا را نیز بی‌معنا خواهد ساخت.

در ماه‌های اخیر، در پرونده‌های مرتبط با اعتراضات و جرایم سیاسی، بسیاری از شهروندان از داشتن وکلای مستقل و حق آزادی انتخاب وکیل محروم بوده‌اند؛ واقعیتی تلخ که نشان می‌دهد تاکید بر استقلال کانون وکلا دیگر بحثی درون‌صنفی نیست، بلکه موضوعی اجتماعی و ملی است. اعتماد عمومی به دادگستری، در گرو حفظ استقلال وکیل و امکان دفاع آزادانه است.

اکنون در آستانه‌ی سالگرد استقلال کانون، پرسش جدی پیش‌روست: آیا نهادی که روزی نماد دفاع از مردم در برابر قدرت بود، امروز در حال غلتیدن به زیر سایه‌ی همان قدرت نیست؟

بازگشت به روح لایحه قانونی استقلال ۱۳۳۱ دیگر شعاری صنفی نیست؛ ضرورتی است برای احیای عدالت، پاسداری از حق دفاع و بازسازی اعتماد اجتماعی. استقلال وکیل، نخستین سنگر دفاع از حقوق شهروندی است؛ سنگری که اگر فرو بریزد به برقراری عدالت نیز امید می‌نخواهد ماند.

ضرورت ثبت روز وکیل مدافع در تقویم ملی



رامین منصف کسمائی
وکیل پایه یک دادگستری

• **دیباچه: عدالت بدون دفاع، فریادی در خلأ**
ثبت و درج هفتم اسفندماه به عنوان روز وکیل مدافع در تقویم رسمی کشور، نه صرفاً یک نامگذاری اداری یا صنفی، بلکه اقدامی ریشه‌دار و معنادار در راستای تثبیت استقلال عدالت در حافظه اجتماعی ایران است. عدالت در معنای واقعی خود تنها با وجود محکمه و قاضی محقق نمی‌شود؛ بلکه دفاع آگاهانه، مستقل و حرفه‌ای از حق، رکن جدایی‌ناپذیر آن است. به همین دلیل است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان میثاق ملی، حق داشتن وکیل را در فصل سوم و ذیل حقوق ملت جای داده است؛ جایگاهی که به‌خوبی بیانگر فلسفه و حکمت قانونگذار در شناسایی وکیل به عنوان یکی از حقوق بنیادین مردم و یکی از ارکان تحقق عدالت قضایی است.

• **جایگاه قدسی وکالت: جلوه‌ای از اسم اعظم**
وکالت مفهومی فراتر از یک شغل و حرفه صرف است. واژه «وکیل» از اسما و صفات خداوند متعال است و همین معنا قداست و حرمت ذاتی این جایگاه را آشکار می‌سازد. در منظومه تعالیم الهی، عدل جایگاهی محوری دارد و وکالت جلوه‌ای زمینی از همین عدالت در عرصه روابط انسانی و حقوقی است. وکیل، مدافع حق در برابر قدرت، مدافع انسان در برابر بی‌عدالتی و پاسدار قانون در مسیر تحقق عدالت است؛ نقشی که بدون استقلال و به رسمیت شناخته شدن اجتماعی نمی‌تواند رسالت تاریخی خود را به‌درستی ایفا کند.

سیر تاریخی نهاد وکالت: از پراکندگی تا استقلال
تحقق عدالت در جامعه‌ای پیش‌رو و آرمانی مستلزم استقرار آن در تمامی ابعاد است و عدالت قضایی یکی از اساسی‌ترین جلوه‌های آن به شمار می‌رود. این عدالت علاوه بر وجود ساختار قضایی، نیازمند حضور وکیل و نهاد وکالت به عنوان بال دیگر فرشته عدالت است. تاریخ حقوق معاصر ایران نشان می‌دهد که شکل‌گیری نهاد وکالت حاصل سال‌ها تلاش مستمر اندیشه‌ورزی و مجاهدت حقوقدانان و نخبگان این عرصه بوده است؛ مسیری پر فراز و نشیب که از دهه‌ها پیش از سال ۱۳۰۰ شمسی آغاز شد و سرانجام در هفتم اسفندماه ۱۳۳۱ به نقطه‌ای سرنوشت‌ساز رسید.

• **نخستین گام‌ها: (۱۳۰۰ شمسی)**
بیش از یک دهه پیش از سال ۱۳۰۰ شمسی،

جامعه حقوقدانان ایران در تلاش بود تا وکیل و نهاد وکالت از حالت پراکنده و غیر نهادمند خارج شده و در قالب یک نهاد مدنی و قانونمند تثبیت شود. نخستین انتخابات هیات مدیره مجمع وکلای رسمی در روز دوشنبه دوازدهم ذی‌قعدة ۱۳۳۹ قمری برابر با بیست و هفتم تیرماه ۱۳۰۰ برگزار شد. این هیأت مدیره تا پایان سال ۱۳۰۱ اداره امور وکلا را بر عهده داشت، اما به‌دنبال وقایع سیاسی ناشی از کودتای اسفند ۱۲۹۹ فعالیت‌های مجمع وکلای رسمی نیز دچار رکود شد.

• **طلوع کانون: (۱۳۰۹ شمسی)**
وضعیت وکلا تا سال ۱۳۰۹ کمابیش به همین منوال ادامه یافت تا آنکه در عصر روز بیست‌وششم تیرماه ۱۳۰۹ به دعوت داود پیرنیا جمعی از وکلا در منزل ایشان گرد هم آمدند. همین نشست مقدماتی زمینه‌ساز آن شد که در روز بیستم آبان‌ماه ۱۳۰۹، کانون وکلا رسماً تشکیل و توسط علی‌اکبرخان داور افتتاح شود.

• **تثبیت ساختار: رسمیت حقوقی**
با وجود این اختلاف نظرها و تشتت آرا در میان وکلا مانع از استمرار منظم فعالیت کانون در سال‌های بعد شد. سرانجام در بیست‌وششم اسفندماه ۱۳۱۶، به منظور رسمیت بخشیدن به جایگاه حقوقی اجتماع وکلای دادگستری شخصیت حقوقی کانون وکلا به دستور دکتر احمد متین‌دفتری وزیر دادگستری وقت به ثبت رسید.

هفتم اسفند: تولد استقلال، جشن حق دفاع
انتخابات هیأت مدیره در سال‌های ۱۳۲۷ و ۱۳۳۰ نیز همچنان تحت سرپرستی وزارت عدلیه انجام می‌شد تا اینکه با تلاش مستمر وکلا و همزمان

با تأثیرات ناشی از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر - که دولت ایران نیز از امضاکنندگان اولیه آن بود - لایحه استقلال کانون وکلا که پیش‌تر در سال ۱۳۱۵ پیشنهاد شده بود با اصلاحاتی در هفتم اسفند ماه ۱۳۳۱ به تصویب رسید. این تاریخ، نقطه عطفی در تاریخ وکالت ایران است؛ چرا که برای نخستین بار استقلال نهادی وکالت به‌صورت قانونی به رسمیت شناخته شد.

پس از تصویب این لایحه، در نخستین جلسه پس از استقلال کانون در بیست‌وپنجم اسفندماه ۱۳۳۱ پیشنهاد نامگذاری روز هفتم اسفند به عنوان روز عید استقلال کانون وکلا مطرح و با اتفاق آرا تصویب شد؛ تصمیمی که بیش از هفتاد سال است در عمل مورد احترام و پاسداشت کانون‌های وکلا و وکلای دادگستری قرار گرفته است.

• **فراخوان به حافظه جمعی: چرا ثبت رسمی یک واجب است؟**

بی‌تردید بزرگداشت هفتم اسفندماه به عنوان روز وکیل مدافع و روز استقلال کانون وکلا نباید موجب غفلت از بیستم آبان‌ماه سالروز تشکیل کانون وکلا در سال ۱۳۰۹ شود. هر دو تاریخ، بخش‌هایی از هویت تاریخی نهاد وکالت را شکل می‌دهند و پاسداشت هر یک تکمیل‌کننده دیگری است. با این حال ثبت رسمی هفتم اسفند در تقویم ملی می‌تواند گامی مؤثر در راستای تحقق اهداف آیین‌نامه نحوه نامگذاری روزها و مناسبت‌ها، تقویت عدالت قضایی و تثبیت جایگاه وکیل مدافع به عنوان یکی از حقوق بنیادین ملت ایران باشد؛ مطالبه‌ای تاریخی که تحقق آن، در نهایت، به نفع حاکمیت قانون، عدالت پایدار و وجدان جمعی جامعه خواهد بود.

همراه داشته باشد. از این چارچوب، هرچند توان نظامی یکی از مؤلفه‌های اصلی قدرت ملی است و پیروزی‌های نظامی می‌توانند به تقویت روحیه جمعی و انسجام ملی کمک کنند، اما تصمیم‌گیری درباره ادامه یا پایان جنگ، اساساً یک تصمیم سیاسی است. این تصمیم باید توسط نخبگانی اتخاذ شود که قادرند فراتر از میدان نبرد، پیامدهای کلان و بلندمدت گزینه‌های مختلف را ارزیابی کرده و با رعایت مصلحت عمومی و خیر همگانی تصمیم‌گیری کنند. با این حال، این امر تنها در صورتی

به تصمیمی بهینه منجر می‌شود که این نخبگان از گرفتار شدن در فضای احساسی و فشارهای لحظه‌ای مصون بمانند. در نهایت، تضعیف یا حذف نیروهای سیاسی در جریان منازعات، می‌تواند به‌عنوان بخشی از راهبرد کلی برای مختل کردن فرآیند تصمیم‌گیری در طرف مقابل تلقی شود. از این‌رو، حفظ انسجام ساختار سیاسی و تقویت ظرفیت‌های تحلیلی و تصمیم‌گیری، نه‌تنها یک ضرورت داخلی، بلکه عنصری تعیین‌کننده در مواجهه با فشارهای خارجی است.

سرمقاله

یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاست‌گذاری در شرایط جنگی، تعیین «زمان مناسب» برای تداوم یا خاتمه منازعه است. هیچ جنگی، دایمی نیست و هر جنگی، روزی پایان می‌یابد. بهترین زمان برای پایان دادن به جنگ زمان قدرت نسبی است، وضعیتی که در آن، بازیگر بتواند با حفظ حداقلی از دستاوردها، وارد فرآیند توافق شود. تأخیر در این تصمیم، به‌ویژه در شرایطی که زیرساخت‌های حیاتی آسیب دیده و نارضایتی اجتماعی ممکن است گسترش یابد، می‌تواند هزینه‌های جبران‌ناپذیری به

از مهندسی پلیمر تا وکالت

گفتگو با «فاطمه علائی» رتبه یک اختبار کانون وکلای دادگستری گیلان



دسترس عمومی به خدمات حقوقی و کاهش انحصار تصویب شده است، باید گفت اجرای صحیح آن مستلزم دقت و نظارت جدی است تا از افت کیفیت خدمات وکالتی جلوگیری شود. به نظر می‌رسد ایجاد تعادل میان کمیت و کیفیت، مهم‌ترین چالش این قانون باشد و اصلاح آن در کوتاه‌ترین زمان ممکن امری ضروری به نظر می‌رسد.

سخن پایانی

وکالت برای من صرفاً یک شغل نیست؛ بلکه مسئولیتی اجتماعی و تعهدی در مسیر عدالت است. امیدوارم با تلاش برای ارتقای دانش، پایبندی به اخلاق حرفه‌ای و همدلی و همبستگی صنفی، بتوانیم شأن و جایگاه این حرفه ارزشمند را بیش از پیش حفظ و تقویت کنیم.

در این مسیر، بر خود لازم می‌دانم از اساتید ارجمندم، جناب آقای دکتر نظری‌نژاد، رئیس محترم هیئت‌مدیره کانون وکلای دادگستری گیلان، که همواره حامی و پیشگام در ارتقای دوره‌های کارآموزی بوده‌اند، صمیمانه قدردانی کنم. همچنین از همراهی‌ها و راهنمایی‌های ارزشمند وکیل سرپرست صبور و دانا جناب آقای محمد رسولی و همچنین جناب آقای دکتر علیرضا امانی که نقش مهمی در شکل‌گیری مسیر حرفه‌ای من داشته‌اند، سپاسگزارم.

همچنین از خانواده و پدر و و مادر عزیزم و همسرم که علاوه بر همراهی، از تجربه و علم خود در منصب قضا برای بنده سنگ تمام گذاشته و در این مسیر پرفراز و نشیب همراه من بوده‌اند، قدردانی می‌کنم.

در پایان، ضمن عرض خدایوت، برای تمامی کارآموزان دوره بیست‌ونهم کانون وکلای دادگستری گیلان آرزوی موفقیت و درخشش در مسیر حرفه وکالت دارم.

مستمر بر فرآیند کارآموزی، نقش مؤثری در ارتقای سطح علمی و حرفه‌ای کارآموزان ایفا کرده است. با این حال، به نظر می‌رسد توسعه هرچه بیشتر آموزش‌های عملی و تخصصی می‌تواند به تقویت و اثرگذاری بیشتر این اقدامات منجر شود.

به‌عنوان یک زن، جایگاه و نقش بانوان را در حرفه وکالت چگونه ارزیابی می‌کنید؟

امروزه زنان نقش پررنگ و مؤثری در حرفه وکالت ایفا می‌کنند و توانسته‌اند شایستگی‌های خود را در حوزه‌های مختلف حقوقی به خوبی اثبات نمایند. هرچند چالش‌هایی همچنان در این مسیر وجود دارد، اما روند حضور و پیشرفت زنان

به‌عنوان یک زن، جایگاه و نقش بانوان را در حرفه وکالت چگونه ارزیابی می‌کنید؟

امروزه زنان نقش پررنگ و مؤثری در حرفه وکالت ایفا می‌کنند و توانسته‌اند شایستگی‌های خود را در حوزه‌های مختلف حقوقی به خوبی اثبات نمایند. هرچند چالش‌هایی همچنان در این مسیر وجود دارد، اما روند حضور و پیشرفت زنان در حرفه وکالت رو به رشد بوده و می‌توان آینده‌ای روشن و امیدوارکننده برای آنان متصور بود.

آینده نهاد وکالت را چگونه ارزیابی می‌کنید و دیدگاه شما در خصوص قانون تسهیل چیست؟

آینده نهاد وکالت را در گرو حفظ استقلال حرفه‌ای، ارتقای مستمر دانش تخصصی و انطباق با تحولات اجتماعی و فناوری می‌دانم. چنانچه نهاد وکالت بتواند جایگاه حرفه‌ای خود و اعتماد عمومی را حفظ و تقویت کند، همچنان نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای در تحقق عدالت ایفا خواهد کرد.

در خصوص قانون تسهیل که با هدف افزایش

وکلا دادگستری گیلان با رتبه ۷۵ شوم.

ارزیابی شما از دوره کارآموزی و آزمون اختبار چیست؟

دوره کارآموزی یکی از مهم‌ترین مراحل در شکل‌گیری شخصیت حرفه‌ای وکیل به‌شمار می‌رود. این دوره فرصت ارزشمندی برای آشنایی عملی با رویه‌های قضایی، نحوه نگارش لوایح و تعامل مؤثر با محاکم فراهم می‌کند.

در این میان، نقش وکیل سرپرست شایسته و باتجربه بسیار تعیین‌کننده است. آزمون اختبار نیز هرچند چالش‌برانگیز است، اما نقش مهمی در سنجش میزان آمادگی علمی و عملی کارآموزان ایفا می‌کند. افزون بر این، مطالعه برای این آزمون موجب تثبیت آموخته‌های دوره کارآموزی و تعمیق دانش حقوقی می‌شود.

در فرآیند آمادگی برای آزمون اختبار، از چه منابعی استفاده کردید و برنامه مطالعاتی شما به چه صورت بود؟

در کنار مطالعه قوانین و آرای وحدت رویه، از کتب مرجع معتبر اساتیدی همچون دکتر توکلی، دکتر کاتوزیان، دکتر شمس، دکتر میرمحمدصادقی و همچنین منابع آموزشی کانون و جزوات اساتید برجسته در درس تخصصی بهره بردم. افزون بر این، مرور پرونده‌های عملی و خلاصه‌برداری از آن‌ها نقش مؤثری در افزایش آمادگی من داشت.

در این مسیر، همواره بر اهمیت توأمان مطالعه نظری و کار عملی در محاکم تأکید داشتم و معتقدم نباید از تأثیر تجربه حرفه‌ای در کنار آموزش تئوریک غافل شد. با توجه به محدودیت زمانی، برنامه مطالعاتی من به‌گونه‌ای تنظیم شده بود که ساعات صبح به رسیدگی به پرونده‌های جاری در محاکم اختصاص داشت و ساعات بعدازظهر و عصر، عمدتاً صرف مطالعه درس نظری و آمادگی برای آزمون اختبار می‌شد.

از نظر شما مهم‌ترین مهارتی که یک کارآموز وکالت باید در طول دوره کارآموزی کسب کند، چیست؟

به اعتقاد من، مهم‌ترین مهارت برای یک کارآموز وکالت، توانایی تحلیل حقوقی و تطبیق صحیح قانون با واقعیت‌های هر پرونده است. در کنار این مهارت بنیادین، توانمندی در نگارش حقوقی، فن بیان، مدیریت ارتباط مؤثر با موکل، پایبندی به اخلاق حرفه‌ای و حفظ شأن و جایگاه وکالت، از ارکان اساسی موفقیت در این حرفه به‌شمار می‌روند.

کانون وکلای دادگستری گیلان نیز با برگزاری منظم کلاس‌ها، کارگاه‌های آموزشی و نظارت

گفتگو

«فاطمه علائی» کارآموز وکالت ورودی ۱۴۰۲، در بیست‌ونهمین آزمون اختبار کانون وکلای دادگستری گیلان موفق به کسب رتبه یک شد. او در گفتگو با روابط عمومی کانون وکلای دادگستری گیلان، ضمن تشریح سوابق تحصیلی، شیوه آمادگی برای آزمون اختبار و ارزیابی دوره کارآموزی، دیدگاه‌های خود را در خصوص جایگاه نهاد وکالت، نقش کانون وکلای دادگستری گیلان در ارتقای سطح علمی کارآموزان، قانون تسهیل و آینده حرفه وکالت بیان کرد.

شرح مختصری از خود و سوابق تحصیلی و شغلی‌تان ارائه کنید.

اینجانب فاطمه علائی متولد ۱۳۷۱ در لنگرود، تحصیلات متوسطه خود را در رشته ریاضی آغاز کرده و در مقطع کارشناسی ارشد در رشته مهندسی پلیمر فارغ‌التحصیل شده‌ام. با این حال، به‌واسطه علاقه‌مندی عمیق به رشته حقوق، مجدداً وارد این حوزه شدم و در حال حاضر مقطع کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی را به پایان رسانده‌ام.

چه عواملی باعث شد به حرفه وکالت علاقه‌مند شوید و این مسیر را انتخاب کنید؟

ترکیب دانش حقوقی با دفاع از حق، عدالت‌خواهی و تأثیر مستقیم این حرفه بر سرنوشت افراد، مهم‌ترین انگیزه من برای انتخاب مسیر وکالت بوده است. به باور من، وکالت صرفاً متکی بر دانش حقوقی نیست، بلکه حرفه‌ای است که مستلزم مسئولیت‌پذیری اجتماعی، شجاعت، تعهد اخلاقی و پایبندی به اصول اخلاق حرفه‌ای است؛ ویژگی‌هایی که مرا بر آن داشت تا این مسیر را به‌صورت جدی و هدفمند دنبال کنم.

درباره نحوه آمادگی برای آزمون ورودی کانون وکلا و رتبه کسب‌شده توضیح دهید.

قبولی در آزمون ورودی حاصل برنامه‌ریزی منظم، مطالعه مستمر و تمرکز بر درک عمیق مفاهیم حقوقی بود. با توجه به اینکه تحصیلات دانشگاهی من در ابتدا در رشته‌ای غیر از حقوق انجام شده بود و سپس وارد این حوزه شدم، مسیر آمادگی برای آزمون با دشواری‌های مضاعفی همراه بود. با این حال، برنامه‌ریزی فشرده و هدف‌گذاری دقیق موجب شد بلافاصله پس از پایان مقطع کارشناسی حقوق، موفق به قبولی در آزمون ورودی کانون

با هدف انتقال دانش و تجربیات نسل‌های پیشین وکالت به نسل جدید، غنای منابع علمی و کمک به ارتقای سطح دانش حقوقی وکلا و کارآموزان، مجموعه‌ای از کتب تخصصی و عمومی خود را در اختیار کتابخانه کانون قرار داد.

میرتقی هاشمی، وکیل بازنشسته و عضو ادوار هیات مدیره کانون وکلای دادگستری گیلان، با حضور در محل این کانون، تعدادی از کتاب‌های ارزشمند کتابخانه شخصی خود را به کتابخانه کانون اهدا کرد. در این اقدام فرهنگی، آقای میرتقی هاشمی

میرتقی هاشمی بخشی از گنجینه علمی خود را به کانون وکلای دادگستری گیلان تقدیم کرد



برگزاری بیست و نهمین آیین تحلیف کارآموزان وکالت

۳۰۵ کارآموز کانون وکلای دادگستری گیلان سوگند وکالت یاد کردند



و برای آن مرحوم آرامش ابدی و علو درجات مسئلت دارم.

رئیس کمیسیون کارآموزی کانون وکلای دادگستری گیلان در ادامه خطاب به وکلای جدید اظهار داشت: تردیدی ندارم که همه شما در شمار بهترین‌های نهاد وکالت قرار خواهید گرفت؛ آنچه از یک وکیل انتظار می‌رود آن است که به گونه‌ای وکالت کند که وجدانش آسوده باشد.

وی تأکید کرد: خوش‌نامی تنها یک صفت نیست، بلکه حاصل سال‌ها وکالت سالم و مسئولانه است و در چنین شرایطی است که کانون وکلای دادگستری می‌تواند به شما افتخار کند.

سلمان‌پور در خاتمه سخنان خود با قدرانی از وکلای سرپرست کارآموزان اظهار داشت: باید از وکلای سرپرست شما تشکر کرد؛ شما مدیون تلاش‌ها و آموزش‌های آنان هستید و من نیز خود را تا روزی که زنده‌ام، شاگرد وکیل سرپرست خود می‌دانم.

وی افزود: وکلای سرپرست نه تنها مهارت‌های حرفه‌ای وکالت را به شما آموختند، بلکه اخلاق و منش وکالتی را نیز منتقل کردند و انتظار می‌رود با بهره‌گیری از این آموزه‌ها، انسان‌هایی مفید و شایسته برای نهاد وکالت باشید.

دکتر محمدرضا نظری‌نژاد، رئیس کانون وکلای دادگستری گیلان، در بیست و نهمین آیین تحلیف کارآموزان وکالت ضمن تبریک به همکاران جدید اظهار کرد: امروز همکاران ما با برگزاری مراسم تحلیف، رسماً به عنوان وکیل پایه یک دادگستری فعالیت خود را آغاز می‌کنند و این موفقیت را به آنان تبریک می‌گویم؛ هرچند واقعیت آن است که احوال همه ما در این وضعیت، ناخوش است و در چنین شرایطی، درباره برگزاری مراسم به شکل حاضر یا کوچک‌تر در محل کانون وکلا، تأمل جدی داشتیم، اما در نهایت به این جمع‌بندی رسیدیم که ایده تحول و اصلاحی در وضعیت استیصال و انفعال شکل نمی‌گیرد و بهبود شرایط نیز جز در پرتو امید و همبستگی میسر نخواهد بود و جمع شدن‌هایی در این دست و گفتگو، بستری است برای زنده نگه داشتن امید و تصمیم بر برگزاری به این شکل گرفته شد.

وی در ادامه



دکتر سلمان پور رئیس کمیسیون کارآموزی

مراسم بیست و نهمین آیین تحلیف کارآموزان وکالت کانون وکلای دادگستری گیلان در شرایطی برگزار شد که فضای این رویداد تحت تأثیر حوادث و تحولات اخیر کشور قرار داشت. این مراسم در تالار گلستان برگزار شد و ۳۰۵ نفر از کارآموزان پس از طی مراحل آموزشی و قبولی در آزمون اختیاری، با ادای سوگند رسمی به جمع وکلای دادگستری پیوستند.

آیین تحلیف کارآموزان وکالت یکی از مهم‌ترین مراحل ورود رسمی به حرفه وکالت محسوب می‌شود؛ آیینی که در آن وکلای تازه‌وارد با سوگند به پایبندی به قانون، عدالت و اصول اخلاق حرفه‌ای، مسئولیت خطیر دفاع از حقوق مردم را بر عهده می‌گیرند. این مراسم در عین حال فرصتی برای تأکید بر جایگاه نهاد وکالت و نقش آن در تضمین حق دفاع و صیانت از حقوق شهروندان به شمار می‌رود. دومین تحلیف امسال نیز در فضایی برگزار شد که یادآور مسئولیت‌های سنگین حرفه وکالت در شرایط حساس اجتماعی بود؛ جایی که کارآموزان تازه‌وارد با ادای سوگند، آغاز مسیر حرفه‌ای خود در عرصه دفاع از عدالت و حاکمیت قانون را اعلام کردند.

دکتر عباس سلمان‌پور، رئیس کمیسیون کارآموزی کانون وکلای دادگستری گیلان، در ابتدای این مراسم ضمن تبریک به وکلای جوان، از تلاش‌های همکاران اداری و تشکیلاتی خود قدرانی کرد و اظهار داشت: این موفقیت را به شما وکلای جوان صمیمانه تبریک می‌گویم و به همکارانم در کمیسیون کارآموزی، کمیته اختیار و همکاران اداری کانون نیز خداقوت عرض می‌کنم؛ به‌ویژه آنکه با توجه به افزایش تعداد کارآموزان نسبت به دوره‌های پیشین، زحمات مضاعفی را متحمل شدند تا این فرایند به‌نحو شایسته برگزار شود.

وی در ادامه با اشاره به آمار اختیار دوره بیست و نهم اظهار کرد: در اختیار ۲۹ در مجموع ۳۵۱ شرکت‌کننده حضور داشتند که این فرایند، محک جدی و اساسی برای ارزیابی توان علمی و حرفه‌ای کارآموزان بود و در نهایت ۳۰۵ نفر موفق شدند هر دو مرحله آزمون را با موفقیت پشت سر بگذارند.

وی در ادامه با اشاره به درگذشت یکی از کارآموزان اظهار کرد: متأسفانه یکی از عزیزان کارآموز، آقای جواد گودرزوند چگینی، که در اختیار نیز پذیرفته شده بودند، به رحمت خدا رفتند که خبر بسیار تأسفباری بود؛ این ضایعه را به خانواده محترم ایشان تسلیت عرض می‌کنم

خوش‌نامی تنها یک صفت نیست، یک مسیر حرفه‌ای است

دکتر سلمان پور رئیس کمیسیون کارآموزی

با اشاره‌ای تاریخی به اندیشه‌های حقوقی در ایران تصریح کرد: ۲۵ سال پیش از مشروطه، مستشارالدوله کتابی با عنوان «یک کلمه» نوشت و در آن استدلال کرد که راز پیشرفت این کشور در یک کلمه خلاصه می‌شود و آن «قانون» است؛ با این حال، در گذر زمان و با پیدایش اقسام مختلف قوانین، همچنان مشاهده می‌کنیم که پیشرفت و توسعه به معنای واقعی آن محقق نشده است، که شاید علت این امر را باید در درک نادرست از مفهوم قانون جست‌وجو کرد. ما دانش‌آموختگان حقوق گاه به اسارت قانون درمی‌آیم، در حالی که میان «قانون» و «حاکمیت قانون» تفاوتی اساسی وجود دارد و آنچه مورد تأکید مستشارالدوله بود، نه صرف وجود قانون، بلکه حاکمیت قانون است.

رئیس کانون وکلای دادگستری گیلان در ادامه با تبیین تفاوت میان «قانون» و «حاکمیت قانون» اظهار کرد: قانون می‌تواند روی دیگر اراده فرمانروایان باشد، اما این حاکمیت قانون است که تجلی و تبلور خواست اجتماعی به شمار می‌آید؛ از همین رو، هنگامی که از قانون سخن می‌گوییم، ممکن است با وضعیت‌هایی مواجه باشیم که در آن امر سیاسی بر امر حقوقی مقدم شده باشد، در حالی که در چارچوب حاکمیت قانون، این امر حقوقی است که بر امر سیاسی تقدم دارد و مسیر تصمیم‌گیری‌ها و اعمال قدرت را تعیین می‌کند.

وی در ادامه با اشاره به مبانی نظری حقوق رومی بیان کرد: در متون حقوقی می‌خوانیم که در سنت حقوقی رومی - ژرمنی، دست بالا

با حقوقدانان بوده است؛ حقوقدانانی که قانون را نه هدف، بلکه ابزاری می‌دانستند برای تولید محصولی به نام عدالت، از این رو قانون راهی برای رسیدن به عدالت تلقی می‌شد و نه غایتی مستقل از آن. وی افزود: در این نگرش، آنچه برتری دارد عدالت و آرمان‌های جمعی است، نه اراده فرمانروایان.



در یونان باستان، مراکز سیاسی در میادین عمومی بنا می‌شد تا مردم گرد هم آیند و امکان رأی‌دادن و مشارکت مستقیم داشته باشند، از همین رو نظام سیاسی آنان «حکومت مردم» خوانده می‌شد و مشروعیت در چنین ساختاری از انتخاب و مقبولیت مردمی ناشی می‌گردد؛ به این معنا که هر کس می‌توانست خواست اجتماعی را نمایندگی کند، از رأی مردم برخوردار می‌شد.

وی افزود: در مقابل، در شرق و از جمله ایران، مشروعیت از جنسی دیگر تلقی می‌شد و خاستگاهی آسمانی داشت؛ چنان‌که گفته می‌شد شاه یا خود خداست یا سایه خدا، با این حال حتی در این‌گونه نظام‌های سیاسی نیز تحولات دگرگون‌کننده، انقلاب‌ها و سقوط‌ها رخ می‌داد و نشان می‌داد که مشروعیت، امری ایستا و تضمین‌شده نیست.

رئیس کانون وکلای دادگستری گیلان در ادامه با تحلیل مفهوم مشروعیت در نظام‌های سنتی اظهار کرد: در آن ساختارهای قدسی نیز هرگاه کارآمدی و توانمندی دچار افول می‌شد، گفته می‌شد که شاه از «قره ایزدی» بی‌بهره شده است؛ تعبیری که در واقع روی دیگر ناکارآمدی و ناتوانی در تأمین کالاهای عمومی بود.

وی افزود: هر زمان که نظام سیاسی در تأمین کالاهای عمومی ناتوان می‌ماند و نارضایتی اجتماعی شکل می‌گرفت، این‌گونه تفسیر می‌شد که قره ایزدی از او رخت بر بسته است، گویی که مشروعیت نیز در نهایت، راز بقا و دوام خود را در کارآمدی جست‌وجو می‌کند. در شاهنامه فردوسی این معنا در «داد و دهش» خلاصه شده است: «فریدون فرخ فرسته نبود زمشک و زعنبر سرشته نبود / به داد و دهش یا فت او نیکوئی تو داد و دهش کن فریدون تویی» که اگر در دنیای قدیم داد و دهش در فرد جستجو می‌شد در زمانه جدید در سیستمی با عنوان «حاکمیت قانون» جریان دارد.

دکتر محمدرضا نظری‌نژاد در پایان سخنان خود با خطاب قرار دادن وکلای جدید ابراز امیدواری کرد که آنان سربازان درستی برای حاکمیت قانون باشند و حاکمیت قانون را راز دوام و بقای ایران بدانند و در پاسداری و تحقق آن، با جدیت و سخت‌کوشی تلاش کنند.



دکتر نظری‌نژاد، رئیس کانون وکلای دادگستری گیلان

اصولی همچون انتخابی بودن سمت‌ها، موقتی بودن مسئولیت‌ها، وجود قانون اساسی و قوه قضائیه مستقل و غیره مورد تأکید قرار می‌گیرد؛ با این حال، آنچه بقا و ثبات را در کشور تضمین می‌کند، وجود نهادهای واسط است. وی افزود: نهادهای واسط، همچون قوه عاقله جامعه عمل می‌کنند؛ نهادهایی نظیر مطبوعات، احزاب و نهادهای مدنی و... که میان مردم ناپیدا و نهاد قدرت پیدا قرار می‌گیرند و همواره نقش قوه تعادل را ایفا می‌کنند، به‌گونه‌ای که از یک‌سو مطالبات و خواسته‌های مردم را به حاکمیت منتقل می‌کنند و از سوی دیگر، با تحدید و نظارت بر قدرت، آن را کنترل و متعادل می‌سازند.

رئیس کانون وکلای دادگستری گیلان در ادامه با هشدار نسبت به تضعیف نهادهای واسط تصریح کرد: در ساختاری که به‌صورت سازمان‌مند می‌کوشد نهادهای واسط را کنار بزند، حاکمیت ناگزیر خود را در مواجهه مستقیم با مردم قرار می‌دهد؛ مواجهه‌ای که گاه در قالب سیاست‌های پوپولیستی بروز می‌کند، چنان‌که با تجاری‌نظر «معجزه هزاره سوم» و با پول‌پاشی تلاش می‌شود محبوبیت خریداری و با هم‌راه‌سازی ظاهری افکار عمومی، مشروعیت مردمی کسب شود، اما در شرایطی که منابع مادی و مالی فراهم نباشد و ناکارآمدی سبب می‌شود نارضایتی شکل گیرد، این مواجهه مستقیم می‌تواند بنیان‌برافکن و پرهزینه باشد.

این وکیل دادگستری در ادامه تأکید کرد: بر همین اساس، در همه جای دنیا برای حفظ ثبات، بقا و پایداری نظام‌های سیاسی، نهادهای واسط را تقویت می‌کنند تا امنیت پایدار شکل گیرد.

رئیس کانون وکلای دادگستری گیلان خاطرنشان کرد: در نظام‌هایی که نهادهای واسط از اقتدار و استقلال برخوردارند، هر جنبش و ناآرامی می‌تواند به اصلاح منجر شود، اما در جایی که این نهادها تضعیف یا حذف شده باشند، ناآرامی‌ها ناگزیر ماهیتی بنیان‌برافکن پیدا خواهند کرد.

وی تأکید کرد: وجود نهادهای واسط و برخورداری آن‌ها از قدرت و کارآمدی، راز تحقق حاکمیت قانون و ضامن ماندگاری، توسعه و شکل‌گیری امنیت پایدار در هر جامعه‌ای است.

نظری‌نژاد در ادامه با تأکید بر مفهوم «مشروعیت» در نظام‌های سیاسی اظهار کرد:

نهادهای واسط؛ عامل کنترل، تعادل و تحدید قدرت

دکتر نظری‌نژاد، رئیس کانون وکلای دادگستری گیلان



«وکیل در لیست نیست»

تبصره ۴۸ در بوته نقد جامعه وکالت



حوادث دی ماه ۱۴۰۴ بار دیگر نگاه‌ها را به یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم دادرسی عادلانه معطوف کرد؛ حق دسترسی آزادانه به وکیل. در روزهایی که اخبار بازداشت‌ها و تشکیل پرونده‌های متعدد، فضای عمومی جامعه را تحت تأثیر قرار داده است، پرسش‌های جدی درباره جایگاه و نقش وکیل دادگستری در پرونده‌های موسوم به امنیتی، بیش از پیش خودنمایی می‌کند.

محدود شدن حق انتخاب وکیل به فهرستی اندک ذیل تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری در حالی که بخش عمده‌ای از وکلای دادگستری عملاً امکان اعلام وکالت و مداخله در این دسته از پرونده‌ها را ندارند، پیامدهای حقوقی و اجتماعی به همراه داشته است.

در شرایطی که شمار وکلای مشمول این تبصره، در مقایسه با تعداد بالای متهمان این پرونده‌ها، اندک است و از سوی دیگر برخی از همین وکلا نیز بنا به برخی ملاحظات تمایلی به ورود مؤثر به این پرونده‌ها را ندارند، نتیجه چیزی جز سرگردانی خانواده‌ها و شهروندانی نیست که با امید به احقاق حق، به دفاتر وکلا مراجعه می‌کنند و با پاسخ منفی مواجه می‌شوند.

در همین راستا، رئیس کانون وکلای دادگستری گیلان در نامه‌ای مورخ ۱۲ بهمن ۱۴۰۴ به رئیس کل دادگستری استان، با اشاره به تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، نسبت به محدود بودن فهرست وکلای مجاز در پرونده‌های امنیتی انتقاد کرد و یادآور شد که در پی حوادث اخیر و افزایش احضار و بازداشت شهروندان در شهرهای مختلف استان، این فهرست پاسخگوی نیاز موجود نیست. نظری نژاد با تأکید بر اینکه همه وکلای دادگستری واجد شرایط قانونی وکالت هستند، خواستار شمول وکلای شاغل در استان گیلان در شرایط این تبصره شد تا از بروز انحصار ناعادلانه و سرگردانی مردم در دسترسی به وکیل جلوگیری شود.

این وضعیت، پرسشی اساسی را پیش روی جامعه حقوقی قرار می‌دهد: چه برداشتی از نهاد وکالت وجود دارد که حضور اکثریت وکلای دادگستری در پرونده‌های امنیتی، با چنین محدودیت‌هایی همراه شده است؟ و این محدودیت‌ها تا چه

اندازه با اصول دادرسی منصفانه، حق دفاع و موازین بنیادین حقوق شهروندی همخوانی دارد؟ روابط عمومی کانون وکلای دادگستری گیلان در این گزارش، با تکیه بر دیدگاه‌های وکلای صاحب‌نظر، اساتید حقوق و همچنین روایت خانواده‌های بازداشت‌شدگان، می‌کوشد ابعاد مختلف این مسئله را واکاوی کرده و زمینه‌ای برای گفت‌وگوی حقوقی، شفاف و مسئولانه در این خصوص فراهم آورد.

روایت خانواده‌ها از سردرگمی در انتخاب وکیل
یکی از اعضای خانواده بازداشت‌شدگان در گفت‌وگو با ما می‌گوید: «وقتی به دادسرا مراجعه کردم و نام وکیل پسرم را اعلام کردم، ابتدا متوجه پاسخ نشدم؛ فقط گفتند این وکیل در لیست نیست. من اصلاً از وجود چنین لیستی خبر نداشتم. بعد هم مختصر توضیح دادند که طبق تبصره ماده ۴۸ فقط امکان انتخاب وکلای مورد تأیید وجود دارد.»

در روایت یکی از خانواده‌های درگیر با پرونده‌های اخیر آمده است: «متأسفانه هنوز موفق نشده‌ایم وکیلی انتخاب کنیم که امکان مطالعه پرونده دخترمان را داشته باشد. در دادسرا به ما گفتند نگران نباشید و در صورت لزوم برای او وکیل تعیین می‌شود، اما با وجود گذشت مدت‌زمان قابل توجه از بازداشت، دخترمان همچنان در بازداشت به سر می‌برد.»

عضو دیگری از خانواده بازداشت‌شدگان می‌گوید: «نه نامه‌ای به ما دادند، نه حکمی نشان دادند و نه توضیح روشنی ارائه شد. فقط می‌گفتند پرونده امنیتی است و مشمول ماده ۴۸ می‌شود. حتی اسامی وکلای مجاز را هم اعلام نمی‌کردند و می‌گفتند خودتان بروید و پیدا کنید!»

از زبان یکی دیگر از بستگان بازداشت‌شدگان آمده است: «عملاً ما را مجبور به انتخاب از یک دایره محدود کردند. وکیل مورد اعتمادمان اجازه ورود به پرونده را پیدا نکرد و به ما اعلام شد که فقط باید از میان چند وکیل خاص انتخاب کنیم.

این انتخاب واقعی نبود؛ تحمیل شرایط بود.»
این سازوکار خارج از اختیار کانون است
«محمدحسن جاویدنیا» دادستان انتظامی کانون وکلای دادگستری گیلان، با انتقاد از سازوکار تهیه

فهرست وکلای مشمول تبصره ماده ۴۸ می‌گوید: «این فهرست اگرچه واجد مبنای قانونی است، اما از معیارهای حرفه‌ای و اخلاقی بی‌بهره است. در خود تبصره ماده ۴۸ هیچ معیار دقیق و شفاف برای نحوه انتخاب وکلا پیش‌بینی نشده و تاکنون نیز هیچ آیین‌نامه، تصویب‌نامه یا بخشنامه‌ای درباره چگونگی تهیه این فهرست منتشر نشده است.»

وی با اشاره به روند تصمیم‌گیری در این زمینه می‌افزاید: «اگرچه اختیار نهایی این تصمیم به رئیس قوه قضاییه سپرده شده، اما در عمل، فرآیند تصمیم‌سازی از سوی مرجعی نظارتی همچون حفاظت اطلاعات صورت می‌گیرد؛ به گونه‌ای که هیچ‌یک از دستگاه‌های حاکمیتی، از جمله مجلس شورای اسلامی یا دیوان عدالت اداری، امکان ورود یا اعتراض مؤثر به آن را ندارند. همچنین کانون‌های وکلای دادگستری نیز در ورود، خروج یا اعتراض به این فهرست، نقش مؤثری ایفا نمی‌کنند.»

دادستان انتظامی کانون وکلای دادگستری گیلان تأکید می‌کند: «با محدود بودن فهرست فعلی، حق دفاع متهمان با چالش جدی مواجه شده است؛ چراکه این محدودیت در تعارض آشکار با حق انتخاب آزادانه وکیل به‌عنوان یکی از حقوق اساسی و اولیه متهم، مندرج در اصل ۳۵

• انباشت متهمان و فهرست محدود وکلا

«فاطمه خورسند» وکیل دادگستری، با اشاره به تجربه میدانی خود می‌گوید: «واقعیت‌های عملی نشان می‌دهد که تعداد وکلای مشمول تبصره ماده ۴۸ هیچ تناسبی با تعداد افراد بازداشت‌شده در پرونده‌های امنیتی ندارد. از سوی دیگر، این وکلا لزوماً به درخواست یا با تمایل خود وارد این فهرست نشده‌اند و چه‌بسا پذیرش این‌گونه پرونده‌ها را با دشواری‌ها و تبعاتی همراه می‌دانند؛ در نتیجه، بخش قابل توجهی از بازداشت‌شدگان عملاً بدون وکیل باقی می‌مانند.»

وی در ادامه با اشاره به دورویکرد متفاوت در نظام قضایی می‌افزاید: «در دستگاه قضایی، از یک سو دیدگاهی وجود دارد که وکیل را رکن دادرسی عادلانه می‌داند و از سوی دیگر، نگاه امنیتی‌ای حاکم است که وکیل را عنصری مزاحم تلقی می‌کند؛ بنظر تبصره ماده ۴۸ به‌وضوح برآمده از همین نگاه دوم است.»
به باور این وکیل دادگستری، محدودیت‌های ناشی از تبصره ماده ۴۸ تأثیر مستقیمی بر اعتماد عمومی به نهاد وکالت و جایگاه حرفه‌ای وکیل برجای گذاشته و دست‌کم سه آسیب جدی به همراه داشته است: «نخست، تضعیف استقلال وکیل؛ دوم، ایجاد دوگانه‌ای نادرست میان «وکلائی مورد اعتماد» و «وکلائی غیرمورد اعتماد»؛ و سوم، کاهش شأن صنفی کانون‌های وکلا به‌عنوان نهادهای مستقل حرفه‌ای. به گفته خورسند، این وضعیت در عمل به نوعی طبقه‌بندی و برچسب‌گذاری درون حرفه وکالت منجر شده است.»

• حذف تبصره ۴۸، مطالبه جامعه وکالت

«مصطفی رجبی» وکیل دادگستری، درباره معیارهای انتخاب وکلای مشمول تبصره ماده ۴۸ می‌گوید: «بر اساس پیگیری‌هایی که از یکی از مسئولان داشتم، نداشتن گزارش منفی و حسن سابقه از جمله معیارهای انتخاب عنوان می‌شود؛ با این حال، چون فرآیند انتخاب از سوی قوه قضاییه انجام می‌گیرد، بسیاری از وکلا از قرار گرفتن نامشان در این فهرست اطلاعی ندارند و شخصاً من نیز تا پیش از اعلام کانون از این موضوع بی‌خبر بودم.»
وی در خصوص خروج از این فهرست می‌افزاید: «در صورت اعلام عدم تمایل از سوی وکیل، مانعی برای حذف نام از فهرست وجود ندارد. بنده نیز عدم تمایل خود را اعلام کردم و نامم از فهرست حذف شد. به نظر من، همکاری که تمایلی به حضور در این فهرست ندارند، بهتر است این موضوع را اعلام کنند تا حق دفاع مردم بیش از این دچار آسیب نشود.»



پرونده ویژه

ادامه‌ی گزارش
رجبی با تأکید بر اینکه نمی‌توان از نقش دفاعی و توانمندی وکلای مورد تأیید چشم‌پوشی کرد، می‌گوید: «این وکلا بدون تردید از نظر حرفه‌ای توانمند هستند، اما واقعیت آن است که هم در نگاه افکار عمومی و هم در میان بخشی از همکاران، برداشت مثبتی از این تفکیک وجود ندارد؛ چراکه مردم مایل‌اند وکیل مورد اعتماد خود را آزادانه انتخاب کنند و از سوی دیگر، در میان وکلا نیز این سازوکار به‌عنوان نوعی تبعیض تلقی می‌شود.»

وی می‌افزاید: «پس از صدور پروانه وکالت، باید به همه وکلا اعتبار یکسان داده شود و تفکیک وکلا اقدامی مثبت و موجه نیست؛ چراکه وقتی شرط اعتبار، استمرار شرایط قانونی است، چنین تفکیکی عملاً معنا و توجیهی نخواهد داشت.»

این وکیل دادگستری، با اشاره به ماهیت دفاع در دادرسی کیفری می‌گوید: «وکیل اصولاً مأمور تحریف واقعیت یا ماجرا نیست. از سوی دیگر، در مرحله تحقیقات مقدماتی و با توجه به اختیار مقرر در ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری، در بسیاری از پرونده‌ها با قرار عدم دسترسی به پرونده مواجه هستیم؛ بنابراین با لحاظ این واقعیت و با توجه به احاطه و اختیار قضات در رسیدگی، تفاوتی نمی‌کند چه شخصی وکیل پرونده باشد. به نظر می‌رسد مجلس می‌تواند با درک استقلال قضات در تصمیم‌گیری و این واقعیت که هیچ وکیلی قادر به انحراف مسیر رسیدگی، به‌ویژه در پرونده‌های امنیتی نیست، با حذف تبصره ماده ۴۸ زمینه حضور همه وکلا در این پرونده‌ها را فراهم کند.»

• **حق الوکاله‌های نامتعارف؛ پیامد تبصره ۴۸**
«محمد رضا سروری» وکیل دادگستری، با اشاره به پیامدهای عملی تبصره ماده ۴۸ می‌گوید: «مفسده اصلی این محدودیت بیش از همه متوجه متهمان و خانواده‌های

آنان است؛ چراکه با توجه به تقاضای بالا و تعداد اندک وکلای مشمول تبصره، در مواردی حق الوکاله‌های بسیار نامتعارفی از متهمان دریافت می‌شود، آن هم در حالی که هیچ الزام قانونی برای پذیرش وکالت در این‌گونه پرونده‌ها بر عهده وکلای موضوع تبصره وجود ندارد.»

وی با اشاره به نگاه انتقادی درون‌صنفی می‌افزاید: «در میان وکلای حاضر در این فهرست نیز برخی از چهره‌های علمی و دانشگاهی دیده می‌شوند که اساساً به دلیل مخالفت با تبعیض، با قرار گرفتن نام خود در چنین فهرستی موافق نیستند؛ بنده به‌عنوان کسی که اساساً با این تبصره مخالف هستم و در پرونده‌های سیاسی و حقوق بشری فعالیت داشته‌ام، هیچ تمایلی به قرار گرفتن در این فهرست ندارم؛ چراکه این تبصره مغایر با اصل آزادی انتخاب وکیل و در تعارض آشکار با اصل دادرسی منصفانه است.»

سروری محرومیت از دفاع مؤثر را مهم‌ترین پیامد این تبصره می‌داند و تأکید می‌کند: «بسیاری از وکلای توانمند در حوزه حقوق جزا و جرم‌شناسی، امکان حضور در مرحله تحقیقات مقدماتی دادسرا - که مهم‌ترین مرحله پرونده است - را ندارند و این امر به‌طور مستقیم به محرومیت متهم از دفاع علمی و مؤثر منجر می‌شود.»

• **امنیتی بودن اتهام، مجوز محدودسازی حق دفاع نیست**

«مریم خجسته» وکیل دادگستری، با تأکید بر اهمیت حضور وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی می‌گوید: «در بسیاری از پرونده‌های امنیتی، محدود بودن تعداد وکلای مشمول تبصره ماده ۴۸، نبود دسترسی شفاف به فهرست آنان و ناآشنایی متهمان و خانواده‌ها با این فرآیند، موجب می‌شود جست‌وجوی وکیل عملاً بی‌نتیجه بماند و پرونده‌ها بدون حضور وکیل وارد مرحله رسیدگی شوند؛ وضعیتی که

به‌طور جدی معیارهای دادرسی منصفانه را مخدوش کرده و متهم را از حقوق اولیه دفاعی محروم می‌کند.»

وی با اشاره به مقررات ویژه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان می‌گوید: «در حالی که قانون آیین دادرسی کیفری، از جمله ماده ۴۱۵، تأمینات مضاعفی برای حضور وکیل مثلاً در پرونده‌های اطفال و نوجوانان پیش‌بینی کرده و بر اهمیت حقوق دفاعی این گروه تأکید دارد، در عمل شاهد آن هستیم که تبصره ماده ۴۸ حتی به رسیدگی‌های دادرسی و دادگاهی اطفال و نوجوانان در جرایم امنیتی تسری داده می‌شود و مانع حضور وکلای غیرمشمول این تبصره می‌گردد؛ تفسیری که نه‌تنها مغایر اصول مسلمی چون تفسیر مضیق قوانین کیفری و تفسیر به نفع متهم است، بلکه صراحتاً با تأمینات مقرر در آیین رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان تعارض دارد.»

خجسته با اشاره به نسبت میان ملاحظات امنیتی و حقوق دفاعی متهمان تأکید می‌کند: «صرف امنیتی بودن اتهام نمی‌تواند توجیهی برای محدودسازی حق دفاع باشد. تضمین برابری افراد در برابر قانون - مطابق اصل ۲۰ قانون اساسی و ماده ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر - خود ضامن امنیت است و در فرآیند دادرسی، آنچه باید محور قرار گیرد «امنیت قضایی» است؛ امنیتی که تنها از مسیر تأمین عادلانه حقوق قضایی و عدم تضییع آن حاصل می‌شود. چنان‌که ماده ۱۲ سند امنیت قضایی مصوب ۱۳۹۹ نیز صراحتاً بر حق انتخاب آزادانه وکیل در تمامی مراحل دادرسی و ممنوعیت تحمیل یا تحدید این حق تأکید کرده است.»

• **مهار التهاب رسانه‌ای؛ علت محدودیت‌های مرحله تحقیقات**

«محمد صفریور» وکیل دادگستری، نیز با اشاره به محدودیت‌های حضور وکیل در پرونده‌های امنیتی تأکید کرد: این محدودیت‌ها صرفاً ناظر به مرحله تحقیقات مقدماتی است و این‌گونه

نیست که وکیل به‌طور مطلق از ورود به چنین پرونده‌هایی منع شده باشد. وی افزود: در مرحله تحقیقات مقدماتی این محدودیت اعمال می‌شود که به نظر می‌رسد هدف اصلی آن جلوگیری از انتشار محتوای پرونده و پیشگیری از ایجاد التهاب روانی و رسانه‌ای در این مقطع حساس است. به نظر نمی‌رسد دلیل دیگری برای این محدودیت وجود داشته باشد، چرا که اگر قرار بود ممنوعیتی مطلق اعمال شود، بی‌اثر شدن آن در مرحله رسیدگی دادگاه، خود نقض غرض تلقی می‌شود.

صفریور با انتقاد از تفکیک میان «وکلائی مورد اعتماد» و «وکلائی فاقد تأیید»، این روند را موجب شکل‌گیری نوعی دوگانگی قطعی در درون نهاد وکالت دانست و گفت: این دسته‌بندی عملاً شکافی حتمی و عمیق میان وکلا ایجاد کرده است. چنین تفکیکی باعث شده برخی همکاران تصور کنند وکلای مشمول تبصره ماده ۴۸ به نهاد یا ارگانی خاص وابسته‌اند و همین ذهنیت، نگاه دوگانه‌ای را در فضای حرفه‌ای وکالت تقویت کرده است.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری قابلیت اصلاح یا حذف را دارد، تصریح کرد: «این تبصره قابلیت حذف دارد و می‌توان همزمان ملاحظات امنیتی و حق دفاع متهم را تأمین کرد.»

وی پیشنهاد داد: «در مواردی که در مرحله تحقیقات مقدماتی موضوعی از اهمیت بالایی برخوردار است، قاضی می‌تواند دسترسی به بخشی یا حتی تمام اوراق پرونده را محدود کند، اما این محدودیت نباید به محرومیت متهم از همراهی وکیل منجر شود. به گفته او، همان‌گونه که در برخی جرایم عمومی نیز قرار عدم دسترسی صادر می‌شود، با این حال وکیل در کنار متهم حضور دارد، در پرونده‌های امنیتی نیز باید چنین رویکردی حاکم باشد.»

دو قطبی سازی صنف وکلا: وکلای خودی و وکلای غیر خودی!



دکتر عباس سلمان پور
وکیل پایه یک دادگستری

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را از جهات گوناگون میتوان مترقی‌ترین قانون آیین دادرسی پس از انقلاب اسلامی دانست که در آن سعی شده به اصل برابری سلاح‌ها بین شاکی و متهم توجه گردد. بسط نهادهای ارفاقی، جایگزین‌های حبس، پیش‌بینی نهاد میانجیگری و... از نقاط قوت و تحسین برانگیز این قانون است، اما در عین حال هنوز ضعف‌ها و خلاهایی نیز دارد که باید در اصلاحات به آنها توجه شود. جدا از همه نقاط ضعف و قوت که در این قانون مانند هر قانون دیگری وجود دارد لیکن یک نقطه تاریک و نازیبا نیز در قانون یاد شده از خرداد سال ۱۳۹۴ به بعد به چشم می‌خورد که در نوع خود بی‌سابقه و ناقص اصل برابری سلاح‌ها و محدود کننده حقوق اصحاب پرونده بویژه متهم است و آن عبارت از محدودیت مقرر در تبصره ذیل ماده ۴۸ ناظر بر تعیین وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی است. به تبصره ماده مذکور از دو منظر ایراد وارد است:

اول - متأسفانه در پرونده‌های امنیتی، دادرسی‌ها از یک قانون نانوخته بشدت افتراقی تبعیت میکنند که در آن، حساسیتی به نقض حقوق متهم وجود ندارد، حال به این نقیصه، محدود نمودن رسمی متهم در تعیین وکیل در قانون نوشته شده دادرسی کیفری را هم اضافه کنید آنچه نتیجه میشود عبارت از نقض آشکار اصل برابری سلاح‌ها، نقض صریح اصل دادرسی منصفانه و عادلانه و نقض بی‌چون و چرای حق متهم در انتخاب وکیل است.

نقض اصل برابری سلاح‌ها (با وجود شمول محدودیت مندرج در تبصره یاد شده نسبت به شاکی)، از این منظر است که؛ در پرونده‌های مشمول این تبصره، یک طرف متهم است و طرف مقابل او عموماً دستگاه‌های نظامی، امنیتی یا اطلاعاتی به نمایندگی از حاکمیت هستند که در کنار خود، دادستان و بازپرس را به همراهی دارند لیکن متهم از امکان چنین همراهی برخوردار نیست و تنها اتکای او به‌رمندی از کمک‌های یک وکیل مجرب مطمئن و معتمد است که متأسفانه تبصره با محدود ساختن دامنه انتخاب وکیل و تحمیل وکلای منتخب و مورد وثوق دستگاه قضایی که خود نیز به نوعی منتخب حاکمیت است این

امکان را نیز از او سلب نموده و از اینرو تبصره ماده ۴۸، کفه ترازوی عدالت را به ضرر متهم و به نفع طرف مقابل در پرونده سنگین مینماید، که این انصاف نیست و از عدالت به دور است. دوم - ایراد دیگر وارد بر تبصره ماده ۴۸، دو قطبی سازی صنف وکلا و تقسیم آنها به دو دسته خودی و غیر خودی است!

وقتی افراد واجد شرایط علمی پس از تأیید صلاحیت‌های عمومی از سوی مراجع رسمی قضایی، امنیتی و انتظامی، پروانه پایه یک دادگستری اخذ میکنند بدین معناست که آنها صلاحیت دفاع از شاکی و متهم در همه پرونده‌ها را دارند و این که قانون، صلاحیت برخی از آنان را در پرونده‌های خاص از آنها سلب کرده و برخی دیگر را واجد صلاحیت می‌شمارد و در این بین هیچگونه ضابطه منطقی و موجه از حیث میزان سابقه کاری یا نوع و سطح تحصیلات مطرح نیست، چنین رفتاری به جز تبعیض و خودی و غیر خودی سازی وکلا، نام دیگری ندارد و این، زیبنده دستگاه قضا که مدعی عدالت و انصاف است نمی‌باشد.

چرا باید در پرونده‌های موضوع تبصره ۴۸، اصحاب پرونده، وکلای خود را از بین وکلای مورد وثوق قوه قضاییه، و نه مورد وثوق خود،

انتخاب نمایند؟! وکیل قرار است از موکل خود دفاع کند، پس باید مورد تأیید و اعتماد موکل خود باشد نه مورد تأیید قوه قضاییه! درک و فهم این امر چندان دشوار نیست لیکن ظاهراً تهیه کنندگان پیش‌نویس این تبصره و تصویب کنندگان آن از چنین درکی بی‌بهره بوده‌اند و متأسفانه تاکنون نیز اقدامی در راستای حذف این محدودیت عجیب و غیر منطقی صورت نگرفته! خودی و غیر خودی سازی در صنف وکلا به حدی مذموم است که برخی وکلای باصطلاح خودی، علاقه‌ای به فاش شدن نام خود در بین این دسته از وکلا نداشته و حتی برخی آن را خلاف شان خود دانسته و از جرگه آنها خارج شده‌اند.

بدون شک، تصویب محدودیت مندرج در تبصره ماده ۴۸ برای وکلای دادگستری، نقطه منفی در کارنامه قانون‌گذاری برای قانون‌گذار پس از انقلاب اسلامی بوده و تعیین وکلای مجاز وفق تبصره مزبور از سوی رییس قوه قضاییه بدور از شان و جایگاه قوه قضاییه است. جا دارد قوای مقننه و قضاییه هر چه زودتر، اقدام عملی جهت اصلاح تبصره ماده ۴۸ در راستای حذف دو قطبی سازی صنف وکلای دادگستری بنمایند.

مشاور حقوقی، وکیل نیست

گفتگو با رئیس اداره نظارت و بازرسی ماده ۵۵ کانون وکلای دادگستری گیلان



موصوف تحت عنوان تظاهر و مداخله در امر وکالت دنبال می‌شود که در سال جاری علیه دو مؤسسه اقامه دعوی و پرونده در جریان رسیدگی قرار دارد.

• منظور از تمرکز غیرقانونی فعالیت وکالت چیست چرا با آن برخورد می‌شود؟

در قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری آمده است: وکلا نمی‌توانند در غیر از محلی که برای آنجا پروانه وکالت دریافت کرده‌اند، دفتر وکالت تاسیس نمایند و همچنین نمی‌توانند عملاً فعالیت وکالتی خود را در محل دیگری متمرکز نمایند. علت برخورد با تمرکز غیرقانونی به چند دلیل است ۱- حفظ استقلال، وکیل باید به قانون و منافع موکل پایبند باشد ۲- جلوگیری از تجاری‌سازی وکالت ۳- حمایت از حقوق موکل ۴- حفظ شان و نظم حرفه‌ای وکالت.

در حوزه عدم تمرکز فعالیت وکلاد در سال جاری ۷۰ فقره پرونده تشکیل گردید که ۴۰ مورد آن تخلف احراز نگردید و پرونده مختومه شد، ۱۲ مورد به وکلای مربوطه استمهال داده شد تا در تعیین مهلت جهت اصلاح وضعیت خود اقدام نمایند و تعداد ۱۸ فقره تخلف عدم تمرکز احراز و گزارش آن به هیات مدیره محترم ارسال شد.

• استفاده از عناوین تخصصی نادرست توسط برخی وکلا یا موسسات حقوقی چه پیامدهایی دارد؟

استفاده از عناوین تخصصی نادرست یا گمراه‌کننده توسط برخی از وکلا یا موسسات حقوقی می‌تواند پیامدهای جدی و چند لایه‌ای داشته باشد؛ هم برای خود ارائه دهنده عنوان و هم برای موکلان و حتی بر اعتماد عمومی و نظام حقوقی. از جمله پیامدهای انتظامی و صنفی که اگر وکیل یا موسسه‌ای عنوانی به کار ببرد که مطابق پروانه وکالت یا صلاحیت واقعی‌اش نباشد مثل وکیل پایه یک دادگستری بدون داشتن پروانه وکالت یا دکتری حقوق بدون مدرک معتبر، ممکن است تحت تعقیب انتظامی از سوی کانون وکلا یا مرکز وکلا قرار بگیرد، مسئولیت مدنی هم دارد که اگر موکل با اتکالی آن عنوان نادرست قرارداد بسته باشد و متضرر شود امکان طرح دعوی مطالبه خسارت وجود دارد چون مبنای اطلاعات خلاف واقع بوده است. همچنین پیامدهای کیفری در موارد خاص

بی‌طرفی و استقلال و حفظ اسرار و حفظ شان وکیل و کرامت انسانی باشد.

• تفاوت وظایف اداره نظارت و بازرسی با دادسرای انتظامی و دادگاه انتظامی کانون وکلا چیست؟

اداره نظارت و بازرسی بیشتر نقش نظارتی دارد و شرح وظایف و مأموریت این نهاد طبق ماده ۵۵ قانون وکالت و مواد ۲ و ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه و ماده ۸۵ آئین نامه اجرای لایحه قانونی استقلال کانون وکلا دادگستری مشخص شده است. درحالی‌که دادسرا انتظامی طبق قانون وکالت و آئین نامه اجرایی وظایف خاص خود را دارد. فلذا شرح وظایف این دو نهاد که به عنوان ارکان کانون وکلای دادگستری می‌باشند با همدیگر متفاوت است. اداره نظارت به طور کلی مرجع نظارتی ولی دادسرا مرجع تعقیب می‌باشد. اما این اداره صرفاً نقش نظارتی ندارد؛ در بیشتر مواقع در موضوعات پیش آمده نقش پیشگیرانه و ارشادی ایفا می‌کند. در خصوص عدم تمرکز وکلا یا فعالیت وکلا در فضای مجازی و مشاهدات عینی این اداره بیشتر تلاش می‌کند که با حفظ جایگاه نظارتی، افراد را ترغیب کند تا حداقل امکان در فعالیت حرفه‌ای خود قوانین و مقررات را اجرا نمایند.

• یکی از وظایف مهم اداره نظارت شناسایی افراد مداخله‌کننده غیر مجاز در امور وکالت است لطفاً درباره اهمیت این موضوع و پیامدهای آن توضیح دهید.

با توجه با اینکه قانونگذار در ماده ۵۵ قانون وکالت هر گونه تظاهر و مداخله اشخاص حقیقی و حقوقی که فاقد پروانه وکالت می‌باشند را ممنوع اعلام کرده، لذا اهمیت این موضوع در راستای حفظ استقلال نهاد وکالت و حفظ شان و جایگاه وکیل و نهاد وکالت و دستگاه قضا و صیانت از حقوق عامه می‌باشد. ورود اشخاص حقیقی فاقد پروانه وکالت و موسسات حقوقی فاقد پروانه که تعداد آن بسیار زیاد می‌باشد و گاه ورود وکلایی که از کسوت وکالت معلق شده‌اند، نمونه‌های بازرسی از مداخله غیرمجاز در امور وکالت می‌باشند که با آن مواجه شده‌ایم.

پدیده دخالت در امر وکالت بدون داشتن پروانه وکالت باعث آسیب‌زدن به حقوق عامه مردم شده چون اشخاصی که مبادرت به این کار می‌کنند تخصص و آموزش کافی در امورات حقوقی را ندارند و باعث تضییع حقوق مردم خواهند شد که در صورت بروز اختلاف یا عدم انجام تکالیف وکالتی هیچ مرجعی نیست که با این گونه افراد برخورد کند. لذا آسیب دیدگان ناچاراً بعد از کلی پیگیری با طرح شکایت علیه اینگونه اشخاص در کانون‌های وکلا و دادسرای عمومی و انقلاب دنبال اعاده به حقوق تضییع شده می‌شوند.

• برخورد اداره نظارت با موسساتی که خارج از چارچوب قانونی فعالیت می‌کنند چگونه است؟

همانطوری که عرض شد اداره نظارت با موسسات فاقد مجوز قانونی از کانون هیچ نظارتی ندارد بلکه در صورت مشاهده فعالیت اینگونه موسسات علیه اینگونه موسسات شکایت کیفری تحت عنوان تظاهر در امر وکالت طرح خواهد شد.

برخورد اداره نظارت با موسساتی که خارج از چارچوب قانونی فعالیت می‌کنند، ارسال لیست موسسات به دادسرا جهت پلمب دفاتر این موسسات که یکبار صورت گرفت و حدود ۱۵ موسسه پلمب گردید و با تغییر رویکرد دادسرا اکنون طرح شکایت کیفری علیه موسسات

روابط عمومی کانون وکلای دادگستری گیلان در گفت‌وگویی با «حسین باباخانی» رئیس اداره نظارت و بازرسی ماده ۵۵ کانون وکلای دادگستری گیلان، به بررسی جایگاه، وظایف و رویکردهای این اداره در صیانت از شأن و استقلال نهاد وکالت پرداخته است. در این مصاحبه، ضمن تبیین فلسفه پیش‌بینی ماده ۵۵، مهم‌ترین اقدامات نظارتی و پیشگیرانه در حوزه مقابله با مداخلات غیرمجاز در امر وکالت، نظارت بر عملکرد وکلا و موسسات حقوقی و همچنین ضرورت‌های ارتقای فرهنگ رعایت مقررات حرفه‌ای تشریح شده است.

• لطفاً در ابتدا اداره نظارت و بازرسی موضوع ماده ۵۵ کانون وکلای دادگستری را به طور کلی معرفی بفرمایید و بگویید این اداره چه جایگاهی در ساختار کانون دارد؟

با توجه به اینکه کانون وکلای دادگستری از محدود موسسات عمومی خودانتظام است لذا به منظور نظارت بر حسن اجرای صحیح قوانین و مقررات وکالتی و حفظ شان و جایگاه وکیل و نهاد وکالت در قوانین وکالت، نظارت بر اعمال وکلا به عنوان یکی از وظایف اصلی کانون برای انجام تکالیف و تعهدات و ارتقای رفتار حرفه‌ای وکلا تعریف شده است. اداره نظارت و بازرسی به موجب بند ب ماده ۶ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳ و مواد ۲ و ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب سال ۱۳۷۶ و ماده ۵۵ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ و ماده ۸۵ آئین نامه اجرای لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب سال ۱۴۰۰ اداره نظارت و بازرسی در سراسر کانون‌های وکلای دادگستری به عنوان یکی از ارکان کانون وکلا تشکیل و در شیوه‌نامه آن در اجرای ماده ۳ اساسنامه اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران پس از تصویب ابلاغ گردیده است. لذا ارکان اداره نظارت تشکیل شده است از رئیس اداره، معاونان که شامل معاون نظارت و بازرسی، معاون پیشگیری و معاون ماده ۵۵ قانون وکالت و ناظران دفتر که در این دوره با ۱۳ عضو در مرکز و هر شهرستان یک نماینده فعالیت می‌کنند.

• فلسفه پیش‌بینی ماده ۵۵ قانون استقلال کانون وکلای دادگستری و مهم‌ترین وظایف آن چیست و چرا وجود چنین نهادی برای حرفه وکالت ضروری است؟

در خصوص تصویب ماده ۵۵ قانون وکالت بایستی عرض کنم قانونگذار به منظور حمایت از حقوق مردم، حفظ نظم و سلامت قضایی، پیشگیری از سواستفاده و کلاهبرداری، حمایت از شان و استقلال نهاد وکالت و به جهت جلوگیری از هرگونه تظاهر و مداخله اشخاص حقیقی و حقوقی که فاقد پروانه وکالت می‌باشند یا از کسوت وکالت معلق شده‌اند، این ماده قانونی را تاسیس نمودند که به نظر پیش‌بینی و آینده‌نگری قانون‌گذار در رابطه با تصویب این ماده قانونی که متولی آن هم نهاد وکالت بوده، قابل تحسین می‌باشد.

به طور کلی مهم‌ترین وظایف اداره، نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات و نظامات وکالت در فضای حقیقی و مجازی، نظارت و بررسی رفتار وکلا از حیث انجام وظایف مندرج در قوانین و مقررات رعایت شئون وکالت، پیشگیری از تخلفات انتظامی و ارشاد و توصیه به وکلا و کارآموزان به رعایت نظامات می‌باشد که البته نظارت بر اعمال وکلا میبایست با رعایت اصول

دارد که استفاده از عناوین جعلی یا خلاف واقع می‌تواند از موارد فریب یا تدلیس و کلاهبرداری باشد به خصوص در مواردی که همراه با تبلیغات گسترده یا اخذ وجوه سنگین باشد. پیامدهای دیگر خدشه به اعتماد عمومی با رواج عناوین جعلی باعث می‌شود اعتماد مردم به وکلا و موسسات حقوقی واقعی کاهش پیدا کند و در نهایت کل جامعه حقوقی هزینه این بی‌اعتمادی را می‌پردازند. پیامدهای دیگر، رقابت ناسالم در خدمات حقوقی است و وکیلی که صادقانه فعالیت می‌کند، در رقابت با کسی که با عناوین پرزرق و برق ولی نادرست تبلیغ می‌کند در موقعیت ناعادلانه قرار می‌گیرد. این موضوع نظام حرفه‌ای وکالت را برهم می‌زند و اداره نظارت در این حوزه با متخلف برخورد می‌کند و حتی با دعوت از اینگونه افراد و تشکیل پرونده گزارش آن را به هیات مدیره ارسال می‌نماید.

• پیام شما به شهروندان در خصوص مراجعه به وکلای دادگستری و پرهیز از افراد فاقد صلاحیت چیست؟

از شهروندان گرامی استدعا می‌شود که امور حقوقی و قضایی خود را فقط به اشخاصی بسپارند که پروانه معتبر وکالت دارند و تحت نظارت کانون وکلای دادگستری یا مرکز وکلا فعالیت می‌نمایند. از مراجعه به افراد فاقد پروانه وکالت و موسسات حقوقی یا افرادی که تحت عناوین مشاور حقوقی - کارچاق‌کن یا وکیل تضمینی فعالیت می‌کنند، اجتناب نمایند.

عنوان مشاور حقوقی جایگزین وکیل دادگستری محسوب نمی‌شود. بسیاری از این افراد فاقد صلاحیت وکالت می‌باشند و مشاهده شده که این افراد تحت عنوان (مشاور حقوقی - کارشناس دعوی - وکیل تضمینی - پیگیری پرونده) در جامعه فعالیت می‌کنند در حالی‌که فعالیت با این عناوین هیچ اعتبار قانونی برای حضور در دادگاه نداشته و وکالت بدون پروانه باریکفری دارد.

وکیل دادگستری سوگند یاد کرده و تابع مقررات اخلاق حرفه‌ای است. در برابر تخلف قابل تعقیب انتظامی و قانونی هستند و این نظارت پشتوانه امنیت حقوقی شهروندان است؛ تضمین نتیجه پرونده نشانه تخلف است و هیچ وکیل قانونی نتیجه دعوی را تضمین نمی‌کند و به هیچ وجه قول صد در صد موفقیت در پرونده را نمی‌دهد.

• در پایان اگر نکته‌ای باقی مانده که فکر می‌کنید باید به اطلاع افکار عمومی برسد بفرمایید؟

شهروندان حق دارند پروانه وکالت وکیل را مطالبه و بررسی کنند و از اعتبار آن اطمینان حاصل کنند و این حق مسلم هر موکل است. مراجعه به افراد فاقد صلاحیت به بی‌نظمی قضایی دامن می‌زند؛ این کارها علاوه بر اینکه به افراد آسیب وارد می‌کند باعث اطاله دادرسی، تضعیف اعتماد عمومی به عدالت و از جمله دستگاه قضا و نهاد وکالت می‌شود.

در پایان تقاضا می‌شود در صورت مشاهده هرگونه اعمال و رفتار خلاف قانون مراتب به کانون دادگستری گیلان واقع در بلوار چمران رشت - اداره نظارت و بازرسی گزارش شود. هرگونه همکاری مستقیم یا غیرمستقیم با موسسات حقوقی غیرمجاز، اشخاص فاقد پروانه وکالت از جمله اعطای نام، مهر یا پذیرش پرونده از طریق آنان، مغایر مقررات بوده و حسب مورد می‌تواند موجب تعقیب انتظامی وفق قوانین و مقررات مربوط گردد.